

آداب ازدواج و عروسی در کُور امام‌رود خلخال

سیداکبر ایرانی

خواستگاری و آداب آن

پسند کردن

پدر و مادر در انتخاب همسر برای فرزندانشان نقش چندانی ندارند. جوانان اغلب با رد و بدل کردن چند نگاه و با دیدار و صحبتی کوتاه، زوج خود را می‌یابند. وقتی این آشنایی پیش آمد پسر در موقعی مناسب موضوع را با مادر خود در میان می‌گذارد و مادر هم ماجرا را به گوش پدر می‌رساند. اگر والدین فرزندشان را از فکر ازدواج با دختر مورد نظر منصرف نکردند، در این صورت مادر یکی دو نفر از زنان آشنا و سر و زبان‌دار محل را پیش مادر دختر می‌فرستند تا قضیه را با او در میان گذارند و نظر موافقش را جلب نمایند. وقتی زنها با خبر خوش برگشتند، نوبت به پدر می‌رسد تا مستقیماً و یا به وسیله یکی از اشخاص سرشناس و مورد اعتماد محل موضوع را با پدر دختر در میان بگذارد. پدر دختر اگر صریحاً پاسخ رد نداد، معمولاً با عبارات متعارفی چون «کیله نَظَرُ شَرَطه» یعنی «نظر دختر شرط است»، تمایل خود را به این وصلت نشان می‌دهد.

بله‌بران و خرج‌بران

کارهایی که برای شناخت بهتر دختر انجام می‌شود: **آخر، آبر (تصمیم‌گیری قطعی):** از این مرحله به بعد طرفین یکدیگر را شناسایی کرده و منظورشان از سلام و علیک‌های گرم و خودمانی معلوم می‌شود و سخت می‌کوشند تا از زیر و بم زندگی و اصل و نسب هم باخبر شوند. بدین ترتیب زمانی چند می‌گذرد تا با توافق طرفین شبی برای «ها ایگیری» یا «بله گرفتن» تعیین می‌شود. در شب مزبور پدر و پسر، همراه چند نفر از سران (در اصطلاح محلی (تاتی) به داماد «زاما» و به عروس «ویو» می‌گویند) و فامیل و اشخاص سرشناس به خانه دختر می‌روند. میزبان که ورودشان را انتظار کشیده به آنها خیر مقدم می‌گوید و به اتاقی که از قبل به وسیله عروس‌خانم آینده تمیز و مرتب شده است هدایتشان می‌کند. سپس ضمن صرف چای و میوه مقدمه‌وار از هر دری سخن گفته می‌شود تا به اصل موضوع برسند. در اینجا مطابق معمول، تعریف و تمجیدی از اصالت و

نجابت خانواده‌هایی که می‌خواهند با هم خویشاوند بشوند - و نیز شرح محاسن داماد - رد و بدل می‌شود و از پدر دختر می‌خواهند که نظر خود را بگویند. او مبلغی را می‌گوید ولی اغلب پدر پسر آن را نمی‌پذیرد. در این هنگام حاضران در مجلس که سمت داوری بین طرفین را دارند با توجه به وضعیت مالی و اخلاقی داماد آن دو را مکلف می‌کنند که روی مبلغ میانگینی با هم توافق نمایند. اگر آن مبلغ را ۵۰/۰۰۰ تومان فرض کنیم، معمولاً به شرح زیر تقسیم می‌شود: مهریه ۳۰/۰۰۰ تومان، زیور و لباس ۵/۰۰۰ تومان، بهره ۵/۰۰۰ تومان و شیربها ۱۰/۰۰۰ تومان.^۱ آنگاه در سندی به نام «صداقتنامه» به گواهی طرفین و داوران می‌رسد و یک برگ از آن به وسیله پسر به پدر دختر و برگ دیگر به وسیله دختر به پدر پسر داده می‌شود. در همین نشست در مورد بردن عروس به خانه داماد، قرارهای لازم گذاشته می‌شود؛ مثلاً پدر دختر می‌گوید: دخترم را تا یک سال نمی‌توانم از خانه بیرون کنم. در این صورت اگر داوران توانستند در صورت تمایل پدر داماد این مدت را تقلیل دهند، که چه بهتر، ولی اگر نتوانستند، داماد ناگزیر به پذیرفتن آن است. گاهی هم عکس موضوع پیش می‌آید؛ یعنی پدر دختر احساس می‌کند هرچه زودتر ترتیب مراسم عروسی و بردن عروس به خانه بخت داده شود ولی داماد اغلب به دلیل مشکلات مادی خواستار فرصت بیشتری می‌شود که در این مورد هم با دخالت داوران تعیین می‌گردد.

۱. این ارقام مربوط به سال ۱۳۷۱ می‌باشد.

خرید (خرج بران)، عروس دیدن، قند شکستن

پس از آخر آبر نوبت به خرید می‌رسد. به این منظور یک روز دو نفر زن از طرف دختر، همراه چند نفر از طرف خانواده پسر به بازار رفته و به میزان مبلغ مربوط به زیور و لباس، درج در صداقتنامه برای دختر لباس و جواهر خریداری می‌کنند.

عروس دیدن: چند روز پس از مراسم خرید، گروهی از زن‌های فامیل همراه مادر یا خواهر یا خواهران داماد اجناس خریداری شده را به اضافه چند کیلو میوه و آجیل با نظمی خاص در بشقاب‌هایی چیده و بشقاب‌ها را در مجمعه‌هایی می‌گذارند و روی مجمعه را با دستمال‌های تازه و خوش‌رنگ می‌پوشانند و روی سر می‌گیرند و برای «ویو وینی» یعنی دیدن عروس و همچنین تحویل لباس و زیور حرکت می‌کنند.

قند شکستن (قند چاکنی): رفت و آمد خویشاوندان به خانه یکدیگر پس از مراسم دیدن، روز به روز بیشتر می‌شود. با این رفت و آمدها و صحبت‌هایی که ضمن آن گل می‌گیرد شب مناسبی را برای برگزاری جشن قند چاکنی (یعنی قندشکنی) انتخاب می‌کنند. در این شب تقریباً همه همسایه‌ها و فامیل و دوستان دور و نزدیک دو خانواده در خانه عروس گرد هم می‌آیند و ضمن نشستی که با صرف چای و میوه همراه است، مقداری قند در حدود پنجاه کیلو به وسیله داماد به مجلس آورده شده و سر فرصت بین حاضران تقسیم می‌شود. پس از تقسیم قند در مجالس مردانه و زنانه هر گروه به نوبت و در حد امکانات، دقایقی را با آواز و بازی و پایکوبی می‌گذرانند و سپس راهی خانه خود می‌شوند. مراسم قند چاکنی به منزله مراسم نامزدی است و پس از پایان آن پای داماد نیز کم و بیش

به خانه عروس باز می‌شود و مزه دست‌پخت‌های ویژه نامزد و مادر زن آینده را می‌چشد.

پنج نفر تدارک می‌بینند و مبلغی به عنوان «جیفه خرجی» (یعنی پول توجیبی) در آن قرار می‌دهند. زنها پس از تحویل خانچه چند دقیقه‌ای شادی و پایکوبی می‌کنند و گونه‌های عروس را می‌بوسند و سپس برمی‌گردند.

نامزدی و عقدکنان و آداب آن

عقدکنان

مدتی پس از مراسم قنند چاکنی خانواده داماد ضمن تهیه ناهار مختصر چند نفر از بزرگان محل - اعم از کدخدا و ملای عاقد - را دعوت می‌کنند و مراسم نکاح برگزار می‌شود. همان‌طور که ذکر شد، تهیه لوازم پذیرایی و خوراکی‌ها بر عهده داماد است ولی مراسم در خانه عروس انجام می‌شود. پس از مراسم ازدواج، عروس تا چهل روز نباید از خانه بیرون برود. این چهل روز را چله عقد می‌گویند و باور دارند که هرگونه تخلفی از آن موجب شر و نکبت می‌شود.



جشن‌هایی که مابین عقد و عروسی برگزار می‌شود

چهارشنبه سوری: غروب چهارشنبه آخر سال خانواده داماد هفت خانچه حلوی محلی و هفت خانچه محتوی هفت عدد ماهی قرمز (دودی)، ۲۱ عدد تخم‌مرغ رنگی، چند کیلو حلوی محلی، چند کیلو آجیل و هفت تکه پارچه که مجموعاً چهارده خانچه است، به وسیله چهارده نفر از زن‌های محل به عنوان خانچه چهارشنبه سوری برای عروس می‌فرستند. زن‌ها بعد از

زیارت

بعد از چله عقد اصولاً عروس خواهان زیارت از قبور می‌شود. این قبور مشتمل بر بقعه‌های متبرکی است که در محل وجود دارد. در این صورت خانواده داماد سه تا «خانچه» تهیه کرده و یک ناهار مفصل برای حداقل ۱. خانچه شامل مجموعه‌ای است که محتویاتی متناسب با مراسم دارد و یک دستمال قرمز روی آن می‌کشند.

وظایف عروس

هر بار که کسی از طرف داماد خانچه‌ای برای عروس می‌برد، باید شاباش به او بدهد که این شاباش معمولاً از صنایع دستی ساخته خود عروس است. اگر داماد برای کسب و کار یا منظوری دیگر به مسافرت برود، خانواده عروس باید چند خانچه محتوی آجیل، میوه و خوراکی مفصل راه سفر برای داماد و جوراب و دستکش دست‌بافت برای برادر یا برادران داماد بفرستد. البته چون رسم نیست در هیچ موردی ظرفی را خالی



برگردانند، مادر داماد هدیه‌های مناسبی در خانچه‌های خالی شده عروس گذاشته و آنها را پس می‌فرستد. غروب چهارشنبه سوری آخر سال پیش از آن که داماد خانچه‌های ویژه چهارشنبه‌سوری را بفرستد، عروس برای خانواده و فامیل نزدیک داماد یک بُقچه از تره‌های تازه و یک دسته گل و شکوفه‌های بهاری می‌فرستد و آنها نیز طبق معمول در حد سلیقه و بضاعت خویش هدیه‌ای

تحویل دادن خانچه، اگر موقعیت مناسب باشد چند دقیقه پایکوبی و شادمانی می‌کنند و سپس برمی‌گردند.

فالگوش: در یکی از شب‌های فرارسیدن سال‌نو، عروس همراه یکی از دوستان نزدیک و با خواهر کوچک خود پنهانی به پشت‌بام خانه داماد می‌رود و دستمالی را که در آن یک بسته سبزه هفت‌سین، یک آفتابه کوچک، یک قیچی و یک آینه بسته شده، از راه «لُوجن» (هواکش پشت‌بام) به درون خانه می‌فرستد و اهل خانه با مشاهده نشانه‌های ویژه آن دستمال،

درمی‌یابند که عروس به دیدنشان آمده است. در این هنگام همگی با شور و شوق بلند شده و با گفتن مبارک‌باد، دستمال را از عروس می‌گیرند و سپس به پشت‌بام می‌روند و او را با احترام و نوازش هرچه بیشتر به درون خانه می‌برند و پس از احوالپرسی و تبریک و تهنیت گفتن چهارشنبه‌سوری و سال نو و صرف چای و شیرینی و شام، اجناسی نفیس در دستمالش می‌بندند و او را به طرف خانه پدری هدایت می‌نمایند.

اگر خانه خانواده داماد هواکش نداشته باشد، عروس دستمال را از بالای دیوار حیاط آویزان می‌کند.

سیزده نوروز: در این روز خانواده داماد یک خانچه محتوی لوازم خوراکی برای یک گردش را تدارک دیده و برای عروس می‌فرستند و عروس به همراه داماد و جمعی از دوستان برای گردش بیرون می‌روند.

در بُقچه می‌بندند و برای عروس می‌فرستند.

و شکلات تزئین شده به عنوان «بهره» به همراه گروه نوازندگان به خانه عروس برده می‌شود.

بازکردن صندوق عروس

همراه جهیزیه صندوقی وجود دارد که پر از بسته‌هایی است که افراد همراه کادو برای عروس آورده‌اند. پس از چند روز طبق مراسم خاصی با حضور چند تن از بزرگان زن از هر دو طرف، این صندوق باز می‌شود. پس از گشودن در صندوق برای هر زنی که در عروسی شرکت کرده و رونما داده است یکی از آن بسته‌ها شامل یک جفت جوراب محلی، یک دست جامناز همراه با آینه، تسبیح، عطر و سایر جزئیات فرستاده می‌شود.

آداب شب و روز عروسی

قبل از شروع مراسم عروسی، بردن عروس

وقتی دوران خوش و جالب و در عین حال پردردسر نامزدی پایان یافت، نوبت آن می‌رسد که عروس را تحویل بگیرند. نخست دو خانواده با هم صحبت می‌کنند و خانواده داماد که از هر نظر خود را آماده ساخته‌اند تصمیم می‌گیرند مثلاً چهار روز «جشن وُئو واری» (جشن عروس آوردن) راه بیندازند. به هر حال برای تمام دعوت‌شدگان، جا، خوراک و سیگار تدارک دیده می‌شود. در این مدت گروه نوازندگان محلی حاضران را گاه و بیگاه با ساز و آواز به شادی و پایکوبی واداشته و سرگرم می‌کنند. غروب روز سوم از طرف داماد مقدار قابل توجهی گندم و مقداری هیزم، یک قوچ پرور و یک سینی حاوی چند کیلو کره تازه که با سیب و سنجد

حنابندان

پس از بردن بهره، عروس چند نفر را با اسب‌های زین و یراق‌شده به دنبال یکایک دوستان خود می‌فرستد و آنها سوار اسب چند دوری در کوچه پس کوچه‌های محل می‌تازند و سپس به خانه دوست خود می‌روند؛ دوستی که از فردای آن روز برای همیشه باید به خانه‌ای دیگر کوچ کند. وقتی دوستان جمع شدند، گروه نوازندگان و عاشقان با ساز و آواز به جمعشان گرمی خاصی می‌دهند و در حالی که اینان سرگرم شادمانی‌اند، چند زن از خانواده داماد با چند خانچه محتوی دو کاسه حنای آب‌زده و تزئین‌شده با شمع، شیرینی و لباس که عروس خانم باید هنگام راهی شدن به خانه داماد آن را بر تن کند، از راه می‌رسند و در حالی که خانچه‌ها همچنان روی سرشان است چند دور در ایوان و حیاط خانه می‌چرخند و بعد به درون خانه می‌روند، خانچه‌ها را میان اتاق می‌گذارند و بی آن که از شادمانی و پایکوبی غافل شوند، منتظر دیدار عروس می‌شوند. چند لحظه بعد پدر عروس دستمال قرمزرنگ را که «دُو آخ» نامیده می‌شود بر سر دختر خود می‌اندازد و دستش را گرفته و به اتاق مجاور به میان زن‌ها برده و گوشه‌ای می‌نشانند. در این هنگام دو دوشیزه جوان که پدر و مادرشان در قید حیاتند - یکی از طرف داماد و دیگری از طرف عروس - حنای از قبل آماده‌شده خانچه‌ها را ضمن کف‌زدن‌های ممتد حاضران و رینگ شاد نوازنده‌ها به دست و پای عروس می‌بندند. پس از چند دقیقه همین دو نفر با

می‌روند و جهازیه را که هدایای دوستان عروس و خریداری شده از طرف داماد نیز جزء آن است با تعیین بهای پول آن در دو برگ کاغذ فهرست می‌کنند و آن را به امضاء چند نفر از معتمدین می‌رسانند و تحویل پدر عروس و داماد می‌دهند. در همین حین زنان در اتاق دیگر رخت عروس را به تنش می‌کنند و پس از انجام کارها پدر، برادر و دایی عروس را با شادی و سرور از اتاق بیرون آورده و در جلوی خانه سوار بر اسبی می‌کنند که از پیش آماده و تزئین شده است و به نیت این که در خانه شوهر پسران زیادی بیاورد، پسرپچه‌ای را جلوی او



می‌نشانند. کسانی که می‌خواهند عروس را از خانه بیرون ببرند، دم دروازه که رسیدند در جای خود می‌ایستند و تا انعام خود را از پدر و مادر و یا اقوام خود نگیرند عروس را از دروازه خارج نمی‌کنند. وقتی می‌خواهند عروس را از دروازه خانه بیرون ببرند بالای سرش قرآن می‌گیرند و پس از حرکت به طرف خانه بخت پشت سرش یک کاسه آب روی زمین می‌پاشند.

نحوه ورود عروس به خانه داماد

همین که عروس به نزدیکی خانه آینده‌اش رسید، یک نفر بالای بام رفته و تیری در هوا شلیک می‌کند. این شلیک به وسیله اسلحه‌های شکاری صورت می‌گیرد.

کمک هم حنای دست و پای عروس را داخل لگن می‌شویند و برای این کار هدایایی از مادر عروس دریافت می‌کنند.

بردن عروس از خانه پدر

بعد از ظهر روز چهارم در حالی که جشن عروسی در نهایت شلوغی خود در خانه داماد ادامه دارد، دخترانی که روز پیش به دعوت عروس در جشن حناپندان شرکت داشتند با خانچه‌های کوچک محتوی هدایایی چون عطر، آینه، پارچه، جوراب و سایر وسایل ریز خانه دوباره به دیدار عروس می‌روند. هنگام عصر چند نفر از افراد سرشناس همراه کدخدا و پدر داماد به خانه عروس



زندگیش در آن خانه به هنگام ورود به خانه بر آستانه فوقانی در بمالد. پس از این عمل بلافاصله دو نفر آفتابه لگن می آورند و دست عروس را شسته و از داماد شاپاش می گیرند.

هفت پسر و یک دختر!

وقتی عروس به درون اتاق مخصوص برده می شود، در آنجا سر پا می ایستد تا پدر داماد داخل شود و با بخشیدن هدایایی چون یک قطعه ملک، چند تا گاو و گوسفند و غیره از عروس خانم بخواهد که بنشیند. وقتی عروس نشست، بلافاصله یک سید سالمند از میان حاضران شال سبز کمر خود را به کمر عروس می بندد و با کلاه خود هفت بار بر سر عروس می زند و این جمله را چندین بار تکرار می کند: «هَفَّتِ زَاهِی دِت» یعنی هفت پسر یک

در جلوی خانه اسب عروس (البته امروزه از اتومبیل برای بردن عروس استفاده می کنند) را نگه می دارند و میوه و حلوائ تزئین شده با رنگ های مختلف که اصطلاحاً «بُورم» نامیده می شود به دست داماد می دهند و او نیز آن را به طرف اطرافیان پرتاب می کند، سپس مادر داماد دو قاشق بلند یا ملاقه چوبی برداشته و در مقابل عروس که همچنان سوار بر اسب است «چَکَه لُوْته دُوش» (رقص با قاشق) می کند و در حین پایکوبی، قاشق ها را آن قدر روی هم می کوبد تا این که شکسته شوند. یک نفر هم از پنجره یا از روی سکویی بلند بر سر عروس نقل و سکه می پاشد و کودکان با اشتیاق آنها را از زیر پای مردم جمع می کنند. در این حین یکی از افراد خانواده داماد ظرف غسل را پیش عروس می گیرد تا مقداری از آن را بردارد و به نیت شیرین بودن

دختر، که منظورشان این است که عروس هفت پسر و یک دختر بیاورد. سید نیز با این کارش از داماد پاداش مناسبی می‌گیرد. پس از پایان این مرحله همه به اتاق‌های دیگر می‌روند و دختران در اتاقی دیگر با نوای یکی از نوازندگان به پایکوبی و شادمانی می‌پردازند. از اینجا به بعد عروسی تقریباً پایان یافته، مهمانان دوره‌نشین، «دُوران» (پول عروسی) را داده و کم‌کم راهی خانه‌هایشان می‌شوند.

دست به دست دادن عروس و داماد

در شب اول عروسی عروس مهمان است و با داماد دیداری ندارد، به طوری که داماد هم چند ساعت پیش از ورود عروس خود را در جایی پنهان می‌کند، چون در غیر این صورت دوستانش او را پیدا کرده و سر تا پایش را با آرد سفید می‌کنند. این کار نشانهٔ سفیدبخت شدن است. شب دوم دست عروس و داماد را به هم دیگر داده به حجله می‌فرستند.

سایر موارد عروسی

در میان خانواده‌های کلوری رسم است که فقط عروس کوچک در خانهٔ پدری داماد می‌ماند و بقیهٔ عروس‌ها به مرور زمان در فکر آماده کردن تشکیلات شخصی برای خود می‌افتند. البته پدر و سایر فامیل او را در این امر یاری می‌دهند، ولی در عوض عروس بزرگ در نزد پدر و مادر داماد از ابهت خاصی برخوردار است و برای انجام امور خطیری همچون مراسم جشن و عزا و احسان از وجود او بیشتر استفاده می‌شود.

